

بی‌هنرانی که دم از هنردوستی میزنند

در بساط دیگر شاهان و ستمگران قرون وسطائی می یافتند؛ آنجا که جز آستان بوسان و چاکران و دریوزگان، دیگران را راهی نبود. فردوسی ها گوشه نشین می شدند و ناصر خسروها چهره از غیر می پوشاندند تا شاید از گزند گزیمکان در امان بمانند، اما گوش تا گوش در دربارها و حاکم نشین ها، مداحان وصله بگیران فرومایه تا کمر خم می شدند، دست می پوسیدند و مجیز حاکمان را می گفتند، تا مگر از خوان یغمایشان لقمه ای نیز نصیب آنان شود و خلعتی " درخور " و " شایسته " بگیرند.

آن چارچوبی که خلفا و شاهان و حاکمان " ادب پرور " برای هنر می ساختند، جز " رضای خاطر مبارک " چه می توانست باشد؟ قلب حقیقت کردن، ستم را " داد " بقیه در ص ۷

" هنر دوستی " و کوشش در راه " بالندگی " و " اعتلا " فرهنگ و ادب، یکی از شعارهایی است که محض خالی نبودن عریضه گاهی بر زبان رژیم و دیگر دست اندرکاران مجاز در امور " هنر " و " فرهنگ " جاری می شود. گاهی از شعر و شاعری حرف می زنند، گاهی درباره قصه و قصه نویسی اظهار فضل می کنند، زمانی پیرامون نمایشنامه نویسی و حتی موزیک داد سخن می دهند. مثلا خامنه ای معتقد است که " ارائه آهنگ های خوش تاحدی که با موازین شرعی سازگار باشد یک هنر است، و یک هنر مطلوب ".

اما اگر در درفشانی های این روشنفکران بیشتر غور کنیم، چارچوب هنر فرمایشی در ج.ا. را همانگونه می یابیم که نیاکان مان در درباره خلفای اموی و عباسی و

نامه
مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۹۵ دوره هشتم
سال دوم ۷ فروردین ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

کارزار جهانی دفاع از توده ای های دربند

فرانسه

«روز شهدای حزب و جنبش، از طرف سازمان حزبی در فرانسه مراسم باشکوهی برگزار کردید. بدین مناسبت از سوی شمار چشمگیری از شخصیت های برجسته و سازمان های مترقی پیام هایی به خاطر ابراز همبستگی با حزب توده ایران ارسال شد. از جمله:

" کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر در فرانسه و جهان " به ریاست رفیق ژرژ مارش، " شورای کل منطقه ای سن سنت دنی " (حومه کارگری پاریس) به ریاست ژرژ والبن عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه - هلن لوک، سناتور کمونیست و نایب رئیس شورای کل منطقه ای وال - د مارن "، سازمان جوانان کمونیست فرانسه و تعدادی از نمایندگان احزاب برادر از جمله: بقیه در ص ۸

هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی

روز ۲۴ مارس، هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی آغاز به کار کرد. هیئت نمایندگی حزب ما به ریاست رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، نیز در این کنگره شرکت داشت.

پیام شادباش به هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی
رفقای عزیز! از طرف حزب توده ایران، تمام کمونیست های ایرانی و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست کشورمان، صمیمانه ترین شادباش های خود را به شما تقدیم می داریم و برای شما آرزوی کامیابی می کنیم.

حزب کمونیست چکسلواکی الهام بخش و ایجادگر تحول سوسیالیستی در کشور شماست. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان چکسلواکی، به بقیه در ص ۶

افزایش امکانات انقلابی در جهان و وظیفه ما

سیمای جهان در حال تغییر است. دامنه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه تامین صلح و امنیت عمومی، سراسر جهان را فراگرفته است. جامعه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آن اتحاد شوروی - نخستین کشور سوسیالیستی جهان - که پرچم بیکار خستگی ناپذیر و پیگیر در راه صلح را بدست دارند، بدون وقفه در راه رشد اقتصادی و اجتماعی به پیش می روند و به چنان قدرت نظامی - سیاسی تبدیل شده اند که هیچ یک از مسائل مهم و بغرنج جهانی بدون شرکت آنها قابل حل نیست. اکنون دیگر همه نیروهای مترقی سراسر کیتی به این واقعیت پی برده اند که سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی با پویایی رشد اقتصادی - سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم پیوند مستقیم دارد.

کشورهای رشديافته سرمایه داری با بحران عمیقی روبرو هستند. بیکاری و فقر در این کشورها دامنه هرچه گسترده ای بخود می گیرد. میلیونها انسان از ابتدایی ترین حق یعنی حق کارکردن محروم هستند. در حال حاضر تعداد بیکاران در کشورهای رشديافته سرمایه داری به ۲۰ میلیون نفر بالغ می شود و این در حالی است که فقط واشنگتن سالانه حدود ۲۰۰ میلیارد دلار صرف هزینه های نظامی می کند.

نهضت توده ای دمکراتیک و ضد جنگ و مسابقه تسلیحاتی در کشورهای رشديافته سرمایه داری اوج می گیرد. کارگران این کشورها هرچه بیشتر در قبال سیاست ارتجاعی دولتها و انحصارها ایستادگی می کنند.

مقابل کشورهای در حال رشد با امپریالیسم و سیاست نواستعماری آن، که وام اسارت باریک تریلیون دلاری آئینه تمام نمای آن است، شدت می یابد. این کشورها که بیش از دوسوم ذخایر زیرزمینی و منابع انسانی را در اختیار دارند با عقب ماندگی و فقر و گرسنگی بیسابقه ای بقیه در ص ۲

"شوراهای اسلامی کار" دستاویز رژیم برای "صلح طبقاتی"

وزیرکار رژیم پیرامون نقش پلیسی و ضدکارگری انجمن ها و شوراهای دولتی اسلامی به صراحت می گوید:

"حضور انجمن ها و شوراهای اسلامی جلوی بسیاری از آفت ها را در واحدها گرفته است و می بینیم در جاهایی که شوراهای اسلامی تضعیف شده گروهکها رشد کرده اند و برای این که بتوانیم جلوی نفوذ گروهکها را بگیریم، بهترین راه این است که شوراهای انجمن های اسلامی را تقویت کنیم و به آنها ارج گذاریم... بین کارگران ما و مدیران ما یکدستی فرهنگی وجود ندارد."

"یکدستی فرهنگی بین کارگران و مدیران" بقیه در ص ۵

رفیق گس هال:

آینده از آن ماست!

در ص ۵

رژیم کارگر ستیز ج.ا.، که در سال های اخیر با تعطیل کردن شکل های مستقل صنفی زحمتکشان (موضوع اصل ۲۶ قانون اساسی) و استحاله یا انحلال شوراهای واقعی کارگری (موضوع اصل ۱۰۴ قانون اساسی)، قانون "شوراهای اسلامی کار" را در مردادماه سال جاری از تصویب گذراند تا به اقدام های سرکوبگرانه خود در واحدهای تولیدی و خدماتی صورتی قانونی داده باشد.

وزارت کار رژیم با تصویب آیین نامه اجرایی "شوراهای اسلامی کار" در نیمه دوم مهرماه گذشته در هیات وزیران، در این تلاش است که با احیای سریع "شوراهای اسلامی کار" آخرین بقایای شکل های نیمه جان مستقل صنفی و شوراهای خودجوش کارگری را از میان بردارد و با اتکاء به شوراهای خودساخته و فرمایشی ضدکارگری، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را زیر نظارت شدید پلیسی خود قرارداد و مانع از اعتلای جنبش صنفی - سیاسی آنها شود.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

افزایش امکانات انقلابی در جهان

روبرو هستند. انحصارهای فراملیتی به غارت ثروت طبیعی و استثمار نیروی انسانی کشورهای "جهان سوم" ادامه می‌دهند. شکاف در سطح تولید سرانه محصول ناخالص داخلی میان کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و کشورهای رشدیابنده ژرف تر می‌شود.

امپریالیسم با بهره‌گیری از اهرم‌های اقتصادی، استقلال سیاسی این کشورها را پایمال می‌کند. تلاش امپریالیسم برای جلوگیری از حرکت پیشرونده تاریخ، تلاشی است مذبحانه، واپسگرایانه که هرچه بیشتر با مقاومت خلق های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مواجه می‌شود. سقوط رژیم های فاشیستی دست نشانده امپریالیسم در این کشورها، نشانگر اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی در "جهان سوم" است. خلق های کشورهای در حال رشد هرچه بیشتر به حمایت نظام ضد انسانی سرمایه‌داری پی می‌برند و یگانه راه برای نجات از واپس ماندگی اقتصادی و اجتماعی را در سمت گیری سوسیالیستی به قصد گذار به سوسیالیسم می‌بینند.

در حال حاضر دو سیستم اجتماعی - اقتصادی سوسیالیسم و سرمایه‌داری در جهان وجود دارد. سیستم سرمایه‌داری رشد نمی‌کند. کشورهای رشدیابنده که زمانی در مدار نظام سرمایه‌داری جهانی قرار داشتند، هرچه بیشتر از این نظام بریده و با سمت گیری سوسیالیستی به سیستم جهانی سوسیالیسم می‌پیوندند و این یکی از ویژگی های دورانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

کشورهایی که سمت گیری سوسیالیستی را انتخاب کرده‌اند از پیگیرترین نیروهای ضد امپریالیستی هستند و با اطمینان در این راه به پیش می‌روند. آنچه در این رهگذر جلب توجه می‌کند، پذیرش سوسیالیسم علمی از جانب دمکرات های انقلابی در اینگونه کشورهاست که بدون شک دارای اهمیت تاریخی - جهانی است.

امپریالیسم لبه تیز حملات خود را متوجه کشورهایی کرده است که سمت گیری سوسیالیستی را برگزیده‌اند. ولی مردم این کشورها با شهامت و از جان گذشتگی از میهن و نظام اجتماعی برگزیده خود دفاع می‌کنند. مقاومت زحمتکشان آنکولا، موزامبیک، نیکاراگوئه، افغانستان، کامبوجیا و... در برابر توطئه های رنگارنگ امپریالیسم و ارتجاع هرچه بیشتر شدت می‌یابد.

کوتاه سخن، روند انقلابی در جهان ادامه دارد و شرایط مساعدی برای تشدید مبارزه علیه رژیم های ارتجاعی بوجود می‌آید. زندگی اجتماعی در میهن ما نیز از این روند جهانی جدا نیست. ادامه جنگ بی‌حاصل که خسارت های عظیم جانی و مالی بر کشور ما وارد آورده و به موازات تشدید رژیم ترور و اختناق از سویی و بحران اقتصادی و اجتماعی و سیامی و فرهنگی زاییده سیاست عمیقاً ضد خلقی سران مرتجع جمهوری اسلامی از

سوی دیگر، حال و آینده میلیونها ایرانی را تهدید می‌کند. مردم میهن ما نظام استبداد قرون وسطایی "ولایت فقیه" را پذیرا نیستند و مبارزه علیه آن را به اشکال گوناگون ادامه می‌دهند.

کارگران از طریق سازمان دادن اعتصاب ها، تخفیر خود از رژیم را نشان می‌دهند و وقتی اعتصاب ها با سر نیزه ارگان های سرکوبگر مواجه می‌شود به حربه کم کاری در کارخانه ها متوسل می‌شوند.

دهقانان که ثمره مبارزه خود را مورد هجوم بزرگ مالکان و خان ها می‌بینند دست به تظاهرات می‌زنند. در اینجا نیز ژاندارم ها و دادگاه های "شرع" حضور دارند. با این وجود دهقانان با رفتن به شهرها و بست نشستن در مقابل دادستانی ها و غیره، خشم و نفرت خود را از رژیم حامی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را ابراز می‌دارند.

ناراضایی از وضع موجود محدود به کارگران و دهقانان نیست. مخالفت با رژیم مدتهاست که قشرهای وسیعی از لایه های متوسط شهری را نیز فراگرفته و بازتاب آن را می‌توان به سهولت در صفحات روزنامه های مجاز مشاهده کرد.

در این که این رژیم را باید سرنگون کرد، تردیدی نیست. این خواست بخش عظیمی از مردم میهن ماست و نشانگر آن است که جنبش انقلابی به یکی از حساس ترین مراحل گسترش خود کام نهاده است.

ولی در این هم تردیدی نیست که جنبش انقلابی کشور بدون سازماندهی، بدون تشکل، بدون جلب هرچه بیشتر توده ها به عرصه نبرد با طرح شعارها و برنامه مشخص، نمی‌تواند به وظیفه عمده خود، یعنی سرنگون کردن رژیم، عمل کند. تا زمانی که اعتصاب های پراکنده کارگری به اعتصاب های متشکل و متحد در این یا آن رشته صنعتی و بالاخره به اعتصاب سیاسی همگانی فرازورید، تا زمانی که تظاهرات دهقانی از شکل اعتراض های محلی خارج نشود و به مبارزه سراسری تبدیل نگردد، تا زمانی که اعتراض دیگر زحمتکشان شهر و روستا سازمان داده نشود، طبیعی است که رژیم با استفاده از ارگان های سرکوبگر به حیات منحوس خود ادامه خواهد داد.

درست به همین علت، حزب توده ایران به عامل ذهنی که در شرایط کنونی کشور ما فقط در چارچوب جبهه نیروهای انقلابی و دمکراتیک می‌تواند وجود داشته باشد، اهمیت ویژه ای می‌دهد.

سازماندهی توده ها، قیل از هر چیز به سازمان یابی نیروهای سیاسی وفادار به آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح بستگی دارد. اگر این نیروها با احساس حد اعلا مسئولیت انقلابی تمام توان خود را در جبهه واحد بکار گیرند، می‌توانند از گسترش ناراضایی و مخالفت تقریباً همگانی توده ها به بهترین وجهی در راه پیشروی نهضت انقلابی به سمت هدف اصلی - سرنگون کردن رژیم بهره گیرند. زیرا فقط در این صورت است که می‌توان ناراضایی و مخالفت توده ها را در

رفیق محمود هرمز

درگذشت



با نهایت تأسف با خبر شدیم که رفیق محمود هرمز، عضو قدیمی و فعال حزب توده ایران از میان ما رفت. آنها که رفیق هرمز را می‌شناختند می‌دانند که حزب ما یکی از فدائوکارترین فرزندان خود و یکی از پیگیرترین مدافعان صلح را از دست داده است.

رفیق هرمز از سال ۱۳۳۱ تا کنون عضو حزب توده ایران بود و همواره به آرمان های انقلابی خود وفادار ماند.

در باره شخصیت اجتماعی رفیق هرمز همین بس که او یکی از روزنامه نگاران، حقوقدانان برجسته و رهبران جنبش صلح ایران و در دوران پیش از کودتای ۲۸ مرداد دبیر کل "جمعیت هواداران صلح" بود. کتاب "دفاع از صلح" یادگار دوران فعالیت بعد از انقلاب رفیق است.

یادش را گرامی می‌داریم و درگذشت او را به خانواده و دوستانش تسلیت می‌گوییم.

بستر مبارزه متشکل سیاسی سمت داد، کردان های گوناگون آنها را متحد ساخت و به میدان مبارزه کشاند.

یکی از ویژگی های دوران ما مبارزه نیروهای محرکه اصلی پیشرفت اجتماعی در سطح جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه دمکراسی و ترقی اجتماعی و صلح است. هر سال و هر ماه دگرگونی های سریع رویدادها را همراه دارد و مسائل حاد و جدی را در برابر نیروهای انقلابی مطرح می‌سازد. سخن بر سر مبارزه انقلابی است، که بازتاب تعمیق تضادهای اجتماعی در مقیاس جهانی و افزایش امکانات عمل انقلابی است. این روند در هر گوشه ای از جهان به چشم می‌خورد. برای استفاده به موقع از امکانات انقلابی، تحلیل همه جانبه پدیده های نوین، درک عمیق ماهیت شرایط موجود بخاطر پیدا کردن پاسخ مثبت برای حل مسائل جدید رشد اجتماعی، ضرورت دارد.

در میهن ما، برای استفاده از تضادهای اجتماعی و بهره گیری از امکانات انقلابی، مسئله بسیار مهم تشکل نیروهای انقلابی و دمکراتیک در جبهه واحد است. کمونیست ها، نمی‌توانند و حق ندارند از کنار این مسئله حیاتی که با سرنوشت حال و آینده میلیونها ایرانی پیوند دارد، بگذرند و آن را نادیده بگیرند.

یکی از وظایف پراهمیت همه اعضا و هواداران حزب در داخل و خارج کشور، چه آنهایی که در هسته های حزبی متشکل هستند و چه آنهایی که هنوز در هسته ها متشکل نیستند و نیز همه رفقایی که در خارج از کشور بسر می‌برند، تلاش پیگیر برای تشکیل جبهه متحد خلق است.

جنگ

جنگ در دو جبهه شمال و جنوب ادامه دارد. تعداد کشته شدگان و مجروحین به ده ها هزار نفر بالغ می شود. هم عراق و هم ایران تعداد تلفات را منتشر نمی سازند. رژیم ج.ا. برای پنهان ساختن شمار کشته شدگان به ترفندهای گوناگون دست می زند. این کشتار جمعی ۶۶ ماه است که در منطقه خلیج فارس - یکی از بزرگترین مناطق نفتی جهان ادامه دارد. یک میلیون کشته و زخمی و هزاران اسیر، چنین است حاصل جنگی که به ضرر هر دو خلق ایران و عراق و به سود امپریالیسم آمریکا است. جنگ بخش مهمی از بودجه هردو کشور را می بلعد. خسارت های وارده به صدها میلیارد دلار بالغ می شود. منطقه ای که شعله های آتش جنگ آن را فرا گرفته است، ۲۰ درصد منابع انرژی و نفت عراق و ۹۰ درصد منابع نفت ایران را دربر می گیرد.

بر اساس خبرهای خبرگزاری های خارجی، ارتش عراق فقط در یک روز ۳۳۵ پرواز بر فراز محل تجمع ارتش ایران در جبهه و شهرهای مجاور داشته است. طی این پروازها، چه میزان خسارت و ویرانی به بار آمده و چه تعداد از جوانان ما قربانی شده اند؟ "صدای جمهوری اسلامی" در این باره سخن نمی گوید. سران ج.ا. خاموشند. چرا؟ برای این که نمی توانند به میلیون ها ایرانی پاسخ دهند که به چه علت فرزندان آنها در جبهه های جنگ بی حاصل کشته می شوند. زیرا قادر نیستند به صدها هزار زن بیوه علت کشته شدن نان آورشان را توضیح دهند. آنها نمی توانند بگویند که درصدد صدور "انقلاب اسلامی" هستند و می خواهند جوانکی عراقی را که شش سال است با همراهانش به حساب مالیات دهندگان ایرانی در کشور ما خوش می گذارند، به عنوان رهبر به مردم عراق تحمیل کنند و رژیم خونریزی مانند رژیم "ولایت فقیه" را در کشور همسایه بر سر کار آورند. سران ج.ا. جرات بیان این واقعیت ها را ندارند، زیرا هم مردم ایران و هم مردم عراق ماهیت خونخوار استبداد مذهبی را به روشنی دریافته اند.

مردم عراق خود باید درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند، کما این که مردم میهن ما نیز حساب خود را با رژیم خون آشام خمینی تسویه خواهند کرد. روزی که سران رژیم در برابر دادگاه خلق به کیفر جنایت های بی شمار خود برسند، چندان دور نیست. زحمتکشان کشور ما برای هرچه نزدیک تر کردن آن روز تاریخی مبارزه می کنند. پیکار علیه جنگ و جنگ طلبان، فقط یکی از عرصه های نبرد برای سرنگونی رژیم است.

خود مصادره می کنند. این احکام مصادره حتی در مورد زمینهایی که دهقانان بی زمین و کم زمین از "شورای کشت" اجاره کرده اند و مال الاجاره آنها را نیز پرداخته اند، به اجرا گذارده می شود. به عنوان نمونه می توان از مصادره محصول بقیه در ص ۶

دهقانان ستمدیده برضد رژیم و نظام بزرگ مالکی باخیزید!

مالکیت که رژیم "ولایت فقیه" نیز بر پای آن مهر تأیید می زند، بر زمینهای دهقانان جنگ می اندازد. آنها زمینهایی را غصب می کنند که دهقانان آفتاب سوخته نسل اندر نسل روی آنها بیل زده اند و بذر پاشیده اند. در حال حاضر، فئودالها و زمینداران فراری که تا دیروز از ترس خشم و کینه مقدس دهقانان جرات اظهار وجود نداشتند، امروز طلب کارانه با احکام دادگاهها و حکام عرم باز می گردند و در این راه دست گرم پشتیبانی رژیم و نهادهای سرکوبگر آن را بر پشت خود احساس می کنند. دادگاهها بدون وقفه دهقانانی را که آه در بساط ندارند، به پرداخت جریمه های سنگین محکوم می کنند و آنها را سر تراشیده، راهی زندانها می سازند. روند باز پس دادن زمینها به "صاحبان اصلی آنها" یعنی بزرگ زمینداران چنان پر دامنه و فراگیر و سازمان یافته است که روزنامه کیهان نیز در این باره می نویسد: "... باز پس گرفتن زمینهایی که (فئودالهای وابسته به دربار) قبلاً غصب کرده بودند و به زندان افکندن کشاورزان اختصاص به استان یا منطقه خاصی ندارد، بطوریکه تقریباً در سراسر کشور یک حرکت سازمان یافته و مرتب و سیستماتیک برای دوباره به میدان آوردن زمینداران بزرگ در حال انجام است." ولی، دهقانان و روستائیان با تمام قوا در برابر فشار رژیم و باج خواهی های بزرگ زمینداران ایستادگی نشان می دهند و بیش از پیش از رژیم فاصله می گیرند و بی می برند که منافع طبقاتی آنها با موجودیت نظام جمهوری اسلامی تضاد آشتی ناپذیر دارد. این آگاهی طبقاتی، به اشکال گوناگون چهره خود را نشان می دهد. جلوه ای از این آگاهی را حتی در گفتگوی دهقانان و روستائیان با خبرنگاران مطبوعات مجاز می توان دید. یکی از روستائیان می گوید: "... ما از این آقایان رضایت نداریم، زیرا آنها هر وقت احتیاج به رای گیری داشته باشند به اینجا می آیند و در بقیه روزها، حتی پای مبارکشان را هم به اینجا نمی گذارند. ما حتی برای گرفتن کورین مجبوریم به تاکستان برویم" (اطلاعات ۱۳/۷/۶۴). روستائی دیگری می گوید: "روستائی ما روستائی انقلابی است اهالی اجازه نمی دهند دوباره ارباب یاخانی پا به این ده بگذارند. . . توقع ما اینست که دادگاهها و ادارات . . . به سرکوبی مردم مستضعف کمز (نبنند) . . . به عنوان مثال وقتی دادگاه به طرفداری از آقای ارباب حکم بازداشت مدیر مدرسه و معلم روستا را صادر می کند مردم چه قضاوتی می کنند" (ج ۱۰، ۱۱/۱۲/۶۴)، رژیم، پس از انقلاب نه تنها خواسته های اساسی دهقانان و روستائیان را برآورده ناساخت، بلکه تا آنجا صحنه را برای یک تائی زمینداران بزرگ و دست نشانندگان محلی شان باز کرد که آنها برای پیشبرد مقاصد ضد مردمی خود، دسترنج دهقانان را در فصل برداشت به آتش می کشند، چاپاریان آنها را می ربایند یا حتی با احکام رسمی دادگاهها حاصل زحمت یک ساله آنها را به نفع

به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ اسفند ماه، روستائیان قاسم آباد کرچ تظاراتی ضد فئودالی برگزار کردند. تظاها کنندگان پلاکاردهائی با شعارهای "ادعای طاغوتچه ما سند است پس سند ما محرومین کجاست؟" و "سندستهای پینه بسته کشاورزان است" حمل می کردند. روستائیان در جریان کردهائی بعد از راهپیمائی از جمله شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را نیز تکرار کردند. باز به نوشته روزنامه ها چندی پیش، دهها هزار تن از دهقانان و روستائیان در سطر استان مازندران به دعوت هیات های ۷ نفره واگذاری زمین و جهاد سازندگی دست به راهپیمائی زدند. تظاها کنندگان ضمن تکرار یاره ای شعارهای انحرافی سازماندهندگان راهپیمائی همانند "جنگ، جنگ تا پیروزی" "خواستار" کوتاه کردن دست خوانین و مالکین بزرگ و مبارزه با طاغوتچه ما" و مشخص شدن وضع مالکیت "۱۵۰ هزار هکتار زمینهای بیلتکلیف استان مازندران" گردیدند. در شرایط مشخص کنونی، اشکال گوناگون اعتراض و مخالفت نسبت به سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی، از جمله راهپیمائی های یاد شده، از نظر سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت ویژه ای است. این راهپیمائی ها در شرایطی بر پا میشود که ناراضیاتی گسترده و فزاینده ای فزاینده ای در بین توده های روستاها و روستائیان و زحمتکشان روستا به چشم می خورد و برخاسته از این واقعیت همروند با انرژی هر چه بیشتر رژیم در بین خلق، جنگ و دعوا در بین جناحها و محافل گوناگون حاکمیت بر سر قدرت و منافع گروهی بالا گرفته است. ناشی از قطع امید افزایش یابنده توده های مردم از رژیم، همه جناحها در این زمینه نسبت به ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی احساس خطر جدی می کنند. مثلاً سازماندهی راهپیمائی دهقانان و روستائیان در کیلان را باید در پیوند با این واقعیت ها ارزیابی کرد. می گوئیم ناخشنودی دهقانان و زحمتکشان روستا نسبت به رژیم بالا گرفته است و این پدیده علل عینی دارد. زیرا، پس از گذشت بیش از هفت سال از پیروزی انقلاب، سران مرتجع ج.ا. با پشت کردن به آمجاهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمین، با کام برداشتن در راستای سرکوب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک خلق و پذیرفتن رسالت دفاع از منافع کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ، خواسته های اساسی دهقانان از جمله و بویژه اجرای اصلاحات ارضی و آبی بنیادی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین را بدون پاسخ گذارده اند. دهقانان در شرایطی در این راهپیمائی شرکت می کنند که پایه های نظام بزرگ مالکی در کف حمایت سران رژیم هر چه بیشتر استوار می گردد. روستاهای کشور ما، هر روز شاهد فجاج جانگداز و صحنه های خونین نوینی از ستمگری به دهقانان است. فئودالها و زمینداران بزرگ زالو صفت هر روز با در دست داشتن "سند جعلی"

رفیق گس‌هال:

آینده از آن ماست!

رفیق گس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، به هنگام شرکت در بیست و هفتمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد. وی در گفتگوی طولانی خود مسائل مهمی را مطرح کرد که ما قسمت هایی از آن را از نظر خوانندگان "نامه مردم" می‌رسانیم

پرسش: شما رویدادهای اخیر را در عرصه مناسبات شوروی و آمریکا و کنفرانس بیست و هفتم، به ویژه تأثیری را که تصمیم‌های کنفرانس می‌تواند در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده و نیز در مناسبات میان شوروی آمریکا بگذارد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ: به نظر من در عرصه مناسبات بین شوروی و آمریکا، ملاقات رهبران این دو کشور دارای اهمیت زیادی است. برای ایالات متحده آمریکا این یکی از رویدادهای بزرگ دوران اخیر است. جامعه ما با بی‌صبری آماده است تا از هرگونه بهبودی در جو سیاسی حاکم بین کشورهای ما استقبال کند. تغییرات افکار عمومی آمریکا در این اواخر، و نیز تمایل به درک عمیق ابتکارهای سیاست خارجی اتحاد شوروی گویای آن است. نتایج رای گیری در کنفرانس ایالات متحده آمریکا درباره تصمیم مربوط به فراخوانی برای تجدید مذاکرات، به منظور انعقاد قرارداد پیرامون قدغن کردن کامل و همه جانبه آزمایش سلاح های هسته‌ای، نشانگر این تمایل است. آخرین ارقام مربوط به نظرخواهی از افکار عمومی حاکی از آن است که تنها ۲۲ درصد آمریکایی‌ها موافق با افزایش هزینه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا هستند. این، تظاهر بارز برخورد مردم آمریکا به مسأله تسلیحاتی و خلخالی است. من می‌توانم بگویم، آنهایی که از برنامه نظامی پنتاگون حمایت می‌کنند، وقتی می‌بینند که در مناسبات بین کشورهای ما برخی تغییرات (مثبتی) وجود می‌آید، از تغییر جو سیاسی سخت هراسناک می‌شوند. چندی پیش کی‌سینجر آشکارا نوشت: "چطور می‌توان بودجه نظامی را در سطح بالایی نگهداشت و آماده جنگ شد، وقتی که روحیه صلح‌جویانه اوج بگیرد؟". به نظر من این نشانگر آن است که ملاقات در بالاتر از چه اندازه در جو سیاسی مناسبات بین کشورهای ما موثر بوده است.

پرسش: اگر شما رهبر اپوزیسیون در اتحاد شوروی می‌بودید، آیا امکان آن را داشتید تا همانطور که الان دارید سخن می‌گویید، اظهار نظر کنید؟ حتی می‌توانستند در اینجا شما را به علت اظهار نظریات خود زندانی کنند. در این باره چه می‌توانید بگویید؟

پاسخ: در ایالات متحده آمریکا ما نه تنها به سادگی می‌توانستند زندانی کنند، بلکه زندانی هم کردند و من هشت سال تمام زندانی بودم، فقط برای این که باورهای ویژه خود را داشتم. من درباره باورهای خود چیزی نمی‌گویم، برای این که

شما از آن آگاه هستید. شما می‌خواهید مقایسه بکنید؟ بفرمایید مقایسه کنید. مثلاً درباره نامزدی من برای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا؛ من می‌توانم در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری شرکت بکنم، ولی هیچگاه مرا انتخاب نخواهند کرد. زیرا من نمی‌توانم جزء فهرست های نامزدهای انتخاباتی بیش از ۲۵ ایالت آمریکا باشم. اگر تو جزء فهرست ۲۵ ایالت نباشی نمی‌توانی انتخاب شوی. و این مسئله بسیار مهمی است، وقتی که ما می‌خواهیم مقایسه کنیم. کشور ما تا آن اندازه هم "دمکراتیک" نیست که می‌خواهند نشان بدهند. درباره همین کنفرانس بیست و هفتم. من هیچگاه در هیچ مجمعی، نه در ایالات متحده آمریکا و نه در هیچ یک از دیگر کشورهای شرکت نکرده‌ام که در آنها درباره ویژگی‌های رشد کشور این چنین با صداقت، صریح، جدی و انتقادی تحلیل شود. به نظر من این مسئله بیانگر عالی ساختار دمکراتیک جامعه شوروی است. در جهان کشور دیگری وجود ندارد که این همه انسان، این چنین در روند اداره و حل مسائل آن شرکت فعال داشته باشند. من روی حل مسائل تکیه می‌کنم، برای این که سیستم سیاسی اتحاد شوروی برای این کار مکانیزم مناسب خود را دارد. دمکراسی شوروی در این سمت رشد می‌کند. من خودم در صنایع فولادسازی به عنوان کارگر کار کرده‌ام و می‌دانم که کارگران در ایالات متحده آمریکا و یا هر کشور دیگر سرمایه‌داری نمی‌توانند آن چیزی را که کارگر شوروی به دست آورده، داشته باشند. شما نقش جنبش اتحادیه‌ای در کشور ما و اتحاد شوروی را مقایسه کنید. اتحادیه‌های ما تا اندازه‌ای از قدرت اقتصادی برخوردار هستند ولی اتحادیه‌ها در اتحاد شوروی علاوه بر قدرت اقتصادی، دارای قدرت سیاسی نیز هستند. این را نمی‌توان انکار کرد.

پرسش: روزنامه "ژورنال اف کمرس" در تغییر برنامه‌های اقتصادی مورد بحث بیست و هفتمین کنفرانس نوشت که برخی محافظ در ایالات متحده آمریکا در این برنامه‌ها خطر بزرگی را برای آمریکا می‌بینند. این خطر چگونه می‌تواند باشد؟ هدف چیست؟

پاسخ: اینها نظرات بیهوده‌ای است. عظمت برنامه دو برابر کردن تولید صنعتی در اتحاد شوروی در ۱۵ سال آینده، برخی انسانها را در غرب دچار سردرگمی خواهد کرد. من با صدق اتفاق بازرگانی و صنعتی اتحاد شوروی مذاکره کرده‌ام و می‌خواهم بگویم که برای آمریکایی‌ها برنامه رشد اقتصادی اتحاد شوروی به مثابه یک رگه طلا و امکان همکاری اقتصادی با این کشور است. آنها باید هرچه زودتر در این جهت شروع به کار کنند.

پرسش: شما از نقطه نظر ایدئولوژی و از لحاظ رشد دانش مارکسیسم-لنینیسم درباره کنفرانس چه می‌توانید بگویید؟

پاسخ: در کنفرانس مسائل بسیار مهمی مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل‌های ژرفی درباره مضامین جدید به عمل آمد. همچنین نظریات جدید تئوریک مطرح گردید که در خدمت غنی‌تر شدن مارکسیسم - لنینیسم است. علاوه بر این من می‌خواستم شما را به مطالعه نه تنها گزارش، بلکه به خواندن متن همه بحث‌ها در کنفرانس فراخوانم، زیرا آنها مربوط به مسایل مشخص کنونی است و در جریان این بحث‌ها نظریات دارای خصلت فلسفی بسیاری مطرح گردیده است. چنین مطالعه‌ای به ما کمک خواهد کرد تا وضع جهان و مواضع اتحاد شوروی را درک کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که رهبران شوروی چه کار می‌کنند در چه سستی، پیش می‌روند؟ پرسش: سطح زندگی در اتحاد شوروی چقدر پایین‌تر از آمریکا است؟

پاسخ: من اقتصاد هر دو کشور را بررسی کرده‌ام. حتماً شما هم این را می‌دانید. اگر شما سطح زندگی را در دو کشور مقایسه می‌کنید، در این صورت مسئله باید در مقطع تاریخی درست مطرح گردد.

اولاً باید فراموش نکرد که سرمایه‌داری در کشور ما طی ۲۰ سال در شرایط کاملاً استثنایی رشد یافته است. در حالی که از رشد سوسیالیسم فقط ۱۶ سال می‌گذرد. ساختمان سوسیالیسم در کشور آغاز شد که از لحاظ صنعتی در سطح رشد یافته‌ی ایالات متحده آمریکا نبود. نباید فراموش کرد که اتحاد شوروی دو جنگ مخرب را نیز پشت‌سردارد. هیچ کس تا کنون به درستی ننوشته است که جنگ جهانی دوم چه پیامدهای وحشتناکی در پی داشته است. علاوه بر این تصور میزان خرابی‌ها و خسارت‌های عظیم ناشی از جنگ در اتحاد شوروی ناممکن است. به نظر من سطح زندگی در اتحاد شوروی در شاخص‌های زیادی به سطح زندگی در آمریکا رسیده است. از یاد نبرید ۲۲ میلیون آمریکایی را که در سطح زیر فقر زندگی می‌کنند، ۵ میلیون آمریکایی را که فاقد مسکن هستند و گرسنه‌اند، و نیز سالخوردگانی را که در وضع بسیار بدی بسر می‌برند. همه این ارقام را باید برای تحلیل وضع در نظر گرفت سپس سطح زندگی در کشور ما را با سطح زندگی در کشور مقایسه کرد که در آن بیکاری وجود ندارد و به تدریج سطح زندگی مردم در آن هرچه بیشتر بالا می‌رود. برنامه جدید، دوبرابر بالا بردن سطح زندگی را طی ۱۵ سال آینده در نظر گرفته است.

پرسش: حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا می‌تواند در کارزار انتخاباتی آشکارا شرکت کند. چرا شما در مبارزات قبل از انتخابات موفقیت‌های بزرگ بدست نمی‌آورید؟ پرسش دوم: اگر شما اعتقاد دارید که کمونیسم زمانی در کشور ما (ایالات متحده آمریکا) ظاهر خواهد شد، در این صورت به نظر شما این کار چگونه انجام خواهد شد؟ از طریق دمکراتیک یا انقلاب؟

پاسخ: اولاً درباره حزب کمونیست... حزب ما در اقلیت، ولی فعال است. حزب ما روز به روز بر صفوف خود بیشتر می‌افزاید و نفوذ آن نیز

بیشتر می‌شود. من به آینده حزبمان بسیار خوشبین هستم. بعضا از من می‌پرسند، حزب شما چه چیزی دارد که احزاب دیگر فاقد آن هستند؟ من می‌گویم: آن چیز اساسی که احزاب دیگر ندارند و آن عبارت است از آینده.

من اعتقاد راسخ دارم که سوسیالیسم آینده تمام جهان و از جمله ایالات متحده آمریکا است. سرمایه‌داری دوران خود را پشت سر گذاشته است. ایالات متحده آمریکا می‌کوشد کشور سرمایه‌داری جدیدی بوجود آورد. به همین دلیل هم آنها به گرانا‌دا تجاوز کرده‌اند. به نظر من حتی در انجام به نتیجه‌ای نخواهند رسید و نمی‌توانند سرمایه‌داری را حاکم کنند.

مارکس گفت: ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهایی است که در آنجا انقلاب می‌تواند از طریق دموکراتیک و مسالمت آمیز پیروز شود. موضع حزب ما چنین است. بله. این امکان پذیر است و ما درست در همین جهت مبارزه می‌کنیم. چگونه می‌توان به این هدف دست یافت؟ از طریق دموکراتیزه کردن سیستم انتخاباتی، که کمونیست‌ها بتوانند به حقوق خود و شاید به مقام ریاست جمهوری دست یابند. تکرار می‌کنم: ما درست در این جهت کام برمی‌داریم. اما ما نمی‌توانیم حتما ادامه اینگونه روندها را تعیین کنیم. چرا؟ برای این که وقتی محافل حاکمه و طبقات باصلاح "ساز خود را می‌زنند" ما نمی‌توانیم کاری کنیم. به دیگر سخن ما می‌توانیم از طریق مسالمت آمیز به سوسیالیسم دست یابیم، ولی ما نمی‌توانیم این طریق را تضمین کنیم.

پرسش: یکی از هدف‌های مسابقه تسلیحاتی تحمیل شده از جانب ایالات متحده آمریکا شکستن کمر اقتصاد اتحاد شوروی است. آیا چنین به نظر نمی‌رسد که این مسابقه تسلیحاتی کمر اقتصاد خود آمریکا را بشکند؟

پاسخ: چند هفته قبل متن سخنرانی صدر اتحادیه کارگران ماشین‌سازی یکی از بزرگترین اتحادیه‌های ایالات متحده آمریکا را مطالعه کردم. این اتحادیه موضوع کاملا دقیقی در قبال مسئله جنگ و صلح و مسائل مسابقه تسلیحاتی دارد. صدر این اتحادیه طی سخنرانی خود از جمله گفت: در ایالات متحده آمریکا هستند افرادی که امیدوارند که اقتصاد اتحاد شوروی را با مسابقه تسلیحاتی به ورشکست بکشند.

او چنین پرسشی را مطرح کرد که چه کسی ورشکست می‌شود؟ و یادآور شد که در ایالات متحده آمریکا ۲۰ میلیون نفر بیکار و ۵ میلیون نفر فاقد مسکن هستند. وی نتیجه گرفت که بی‌آمدهای اقتصادی مسابقه تسلیحاتی، برای ایالات متحده آمریکا بیشتر از اتحاد شوروی زیانبار است.

به هر حال مسابقه تسلیحاتی، هم برای ایالات متحده آمریکا و هم برای اتحاد شوروی دارای پیامدهای زیانبار است. درست به همین علت است که ما باید به مسابقه تسلیحاتی پایان دهیم؛ این پولی است که به هدر می‌رود.

رشوه خواری در عرصه مسابقه تسلیحاتی در ایالات متحده آمریکا حد و مرزی ندارد و از طریق رد و بدل کردن متقابل مسئولین "پنتاگون" و مجتمع نظامی - صنعتی انجام می‌گیرد. بسیاری از مسئولین انحصارهای نظامی به "پنتاگون" انتقال می‌یابند و سپس برای انعقاد قرارداد تولید اسلحه دست بکار می‌شوند.

پرسش: در چهار سال اخیر دولت ایالات متحده بطور منظم از دادن ویزای عبور به هیئت‌های نمایندگی اتحادیه‌های کارگری اتحاد شوروی به آمریکا خودداری می‌کند. آخرین بار چنین حادثه‌ای در ماه نوامبر روی داد. اتحادیه کارگران شوروی به این عمل دولت آمریکا اعتراض کرد. شما با کارگران و فعالان اتحادیه‌های آمریکا زیاد ملاقات می‌کنید. آنها در مقابل این عمل دولت آمریکا که مانع ایجاد ارتباط بین اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان آمریکا و اتحاد شوروی میشوند، چه واکنشی نشان می‌دهند؟

پاسخ: این کار سالیان درازی است که ادامه دارد. دهها هیئت نمایندگی خواستار روآدید

"شوراهای اسلامی کار" دستاویز •

که وزیر کار رژیم "ولایت فقیه" بر آن تاکید دارد، چیزی جز طلب خواست اطاعت کورکورانه کارگران از امر و نهی‌های کارفرمایان و مدیران و بهره‌کشان نیست. برای ستیابی به این هدف، رژیم تنها راه حل را تشکیل "شوراهای اسلامی کار" تشخیص داده است.

حسینی مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی در این باره می‌گوید:

"وظایف شوراهای اسلامی کارخانه بر اساس قانون جدید به چند بخش کلی تقسیم می‌شود. اولین وظیفه شورا ایجاد وحدت اسلامی و بالابردن روحیه همکاری و تعاون بین کلیه شاغلین کارخانه از کارگر ساده گرفته تا مدیر است" (کیهان ۲۹ بهمن ۶۳).

هم اکنون مبارزه بسیار شدیدی از جانب کارگران برای جلوگیری از تحمیل این شوراهای ضدکارگری در کارگاه‌ها و کارخانه‌های سرا سر کشور جریان دارد، بطوری که مطبوعات تحت سانسور رژیم ناکزیر به انعکاس گوشه‌های ناچیزی از آن شده‌اند.

مثلا روزنامه کیهان ضمن تلاش برای محدود جلوه دادن دامنه اعتراض‌های گسترده کارگران علیه این شوراهای فرمایشی به شیوه خود می‌نویسد:

"در برخی واحدهای صنعتی، کارگران شوراها را تشکیلاتی نظیر انجمن اسلامی می‌دانند و حتی تفاوت بین این دو تشکل را نمی‌دانند."

اما اظهارات کارگران کارگاهها و کارخانه‌های مختلف در مصاحبه با مطبوعات به روشنی نشان می‌دهد که کارگران میهن ما با آگاهی کامل معتقدند که بین تشکل‌های

شده‌اند و موفق به اخذ آن نگردیده‌اند.

وقتی هیئت‌های نمایندگی اتحادیه‌های کارگران شوروی برای آمدن به ایالات متحده آمریکا موافقت می‌کنند، اتحادیه‌های کارگری کشور ما انواع ملاقات‌ها و جلساتی را برای آنها برنامه ریزی می‌کنند. ولی معمولاً یک یا دو روز قبل از حرکت هیئت نمایندگی اتحاد شوروی، از دادن روآدید خودداری می‌شود و بدینسان تمام زحمات اتحادیه‌های کارگری به هدر می‌رود. به یکی از هیئت‌های نمایندگی اتحاد شوروی حتی پس از ملاقات سران دو کشور روآدید ندادند. این در حالی است که ریگان درباره اهمیت ملاقات‌ها در سطوح مختلف سخنرانی می‌کند.

کارگران چه عکس العملی از خود نشان می‌دهند؟ معمولاً آنها می‌پرسند: "آنها از چه می‌ترسند؟ وزارت امور خارجه آمریکا چرا می‌ترسد؟ چرا آنها به رهبران اتحادیه‌های شوروی امکان آمدن به آمریکا را نمی‌دهند؟"

کاملا روشن است که آنها از ایجاد ارتباط دوستانه میان کارگران کشورهای ما می‌ترسند.

رنکارنگ تحمیلی رژیم هیچ تفاوت اساسی وجود ندارد. ماهیت همه آن تشکل‌هایی که می‌خواهند صلح طبقاتی را در محیط‌های کار برقرار کنند، ضدکارگری است.

کارگری در افشای "شوراهای اسلامی کار" می‌گوید:

"قدرت شوراها آنطوریکه در قانون مشخص شده است محدود و به نظر من خیلی کم است. شورا فقط حق مشورت دارد و اگر مدیریت به مشورت شورا بی توجهی کند، شورا نمی‌تواند کاری انجام دهد.

شورا هیچگونه حق رای در جلسات مدیریت ندارد و فقط می‌تواند حضورداشته باشد و نظر مشورتی بدهد. می‌خواهم بپرسم که آیا شوراها با این مسایل می‌توانند به مشکلات کارگران رسیدگی کنند و حقوق تضمین شده کارگران را بدست آورند و از اخراج‌ها جلوگیری کنند و می‌توانند نظرات درست خود را در خدمت تولید و بهبود شرایط کار واحدها قرار دهند؟"

طبق این ارزیابی درستی است که می‌توان گفت: آنچه کارگران میهن ما را به مقابله با شوراهای اسلامی کار در واحدهای تولیدی و خدماتی سوق داده ماهیت عیناً کارگرسنیزانه آنهاست. کارگران آگاه وطن ما خواستار تشکل‌های مستقل کارگری هستند. آنها از شوراهایی استقبال می‌کنند که مدافع حقوق صنفی - سیاسی آنها باشد.

یکی از کارگران در توصیف شوراهای خوچوش کارگری می‌گوید:

"ما این‌جا از اوایل انقلاب شورا داشتیم و تا آنجایی که می‌توانستیم کارهایی انجام دادیم و همین شورا بود که حکم ملی شدن این‌جا را بعد از فرار صاحب این کارخانه گرفت."

مقابله کارگران در کارگاهها و کارخانه‌ها با "شوراهای اسلامی کار" چنان وضعی بوجود آورده است که ستاد برگزاری انتخابات وزارت کار و بقیه در ص ۶

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

دهقانان ستمدیده برضد رژیم...

امسال کشاورزان بندرکلا، بیشه سرو عزیزک بابل یادکرد. در اجرای احکام مصادره اموال و محصول دهقانان، نهادهای سرکوبگر از هیچ دشنام گویی، ضرب و شتم و خشونت و حتی اسلحه کشی و قتل فرورگذار نمی‌کنند.

بی دلیل نیست که "هیات هفت نفره کردستان" اعلام داشت:

"... بلا تکلیف ماندن مساله اراضی، ایجاد نفاق و اختلافات زیادی در منطقه نموده و متأسفانه اخیراً منجر به وقوع چند قتل نیز شده است" (اطلاعات ۱۲/۴/۶۴).

دهقانان! در شرایطی شما در اینجا و آنجا برای شرکت در راهپیمایی فراخوانده می‌شوید که رژیم با درنده خوبی بر زمین و محصولات به سود بزرگ مالکان دست اندازی می‌کند و تلاش می‌ورزد تا هر نوع مقاومت از سوی شما را که در راه پیروزی انقلاب هزاران شهید و مجروح داده‌اید، درهم شکسته و با قنذاق تفنگ و دستبند و زندان پاسخ دهد.

دهقانان عزیز!

در شرایطی رژیم زمین هایتان را - که شما به قیمت مبارزه و قربانی های بسیار بدست آورده‌اید از شما بازپس می‌گیرد و به بزرگ زمین داران تحویل می‌دهد که قسنت اصلی زمین های کشاورزی در دست زمینداران بزرگ متمرکز است. مثلاً در استان کردستان "حدود ۲۶ بزرگ مالک با بیش از صد هزار هکتار زمین و حدود ۲۰ هزار خانوار روستایی با زمین هایی بین ۱۹ هکتار تا ۸۲۲ هکتار وجود دارند" (اطلاعات ۱۲ مرداد ۶۴).

دهقانان بی زمین و کم زمین!

برای رهایی از شر بزرگ مالکان و انجام اصلاحات ارضی و آبی که یکی از مهمترین خواست های برحق شماست، باید پیکارتان را علیه رژیم تشدید کنید. باید با بهره جویی از هر فرصت و امکاناتی بانگ اعتراض خویش را به اشکال و شیوه های گوناگون از جمله راهپیمایی علیه بزرگ مالکان رساتر سازید. باید با سازماندهی راهپیمایی های مستقل، نه با شعار انحرافی "جنگ، جنگ، تا پیروزی" و نه تنها بنیاطر ۱۵۰ هزار هکتار زمین های متعلق به خاندان شاه و وابستگان آن، بلکه علیه بزرگ زمینداران و کلان سرمایه داران و رژیم مدافع آنها دست به تظاهرات و اقدامات جمعی بزنید. مسئله ارضی در کشور ما با تعیین تکلیف ۱۵۰ هزار هکتار زمین قابل حل نیست.

دهقانان بی زمین و کم زمین!

در هر راهپیمایی و تظاهرات شما باید به یاری مدافعین راستین خود، در زمینه سازماندهی و دادن شعارها، ابتکار عمل را به دست بگیرید. زیرا رژیم تلاش می‌ورزد با گسترش ترور و اختناق پلیسی بانگ اعتراض زحمتکشان را نسبت به ادامه جنگ خاموش سازد. رژیم اساساً شکل های واقعی دهقانی را که شما و نمایندگان راستین شما در آنها شرکت داشتند، منحل و بسیاری از فعالان

انها را روانه سیاهچاله کرده است و در عین حال برای غارتگران اجتماعی آزادی تشکل و چپاول هرچه بیشتر، آن هم در سایه ادامه جنگ، قائل می‌شود. رژیم می‌خواهد به هر دوز و کلکی شده زحمتکشان، از جمله دهقانان را، برای تأیید سیاست ادامه جنگ خود به خیابان ها بکشاند تا موضع جنگ افروزانه خود را "مشروعیت" بخشد و سیه روزی خلق را خود خواسته جلوه گر سازد.

رژیم چ.ا. می‌کوشد تا مساله اصلی جامعه را جنگ و ادامه آن وانمود سازد، لیکن شما دهقانان و دیگر زحمتکشان که بار اصلی و توان شکن جنگ و پیامدهای ویرانگر و فاجعه بار آن را بردوش می‌کشید، مساله اصلی را نه جنگ، بلکه صلح می‌دانید. جنگ بدون حضور زحمتکشان و فرزندان آنها در جبهه ها نمی‌تواند حتی یک روز هم ادامه یابد. دهقانان هیچ سود و منفعتی در ادامه جنگ ندارند. آنها به صلح احتیاج دارند تا در پرتو آن، در محیط سرشار از آرامش و

هفدهمین کنگره حزب.....

رهبری حزب شما به فرمانروایی طبقات استثمارگر پایان دادند و جمهوری مدرن سوسیالیستی چکسلواکی را بنیاد گذاردند. حزب کمونیست چکسلواکی با پایبندی به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیست پرولتری افق های تازه ای در برابر مردم چکسلواکی گشود.

جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی خدمات شایانی به امر صلح، ثبات و امنیت در اروپا کرده است. حزب شما، در پیکار برضد دشمنان گوناگون داخلی و خارجی، تجارب گرانبهایی اندوخته است که برای طبقه کارگر بین المللی دارای ارزش فراوان است. شما در شرایطی بسیار دشوار موفق به ساختمان یک جامعه سوسیالیستی پیشرفته شده اید. حزب کمونیست چکسلواکی یک مبارز سرسخت راه صلح، خلع سلاح و امنیت است. حزب شما با پشتیبانی بی خدشه از پیشنهاد های صلح اتحادشوروی، از جمله پیشنهاد های رفیق گورباچف، دبیرکل حزب کمونیست اتحادشوروی، دز ۱۵ ژانویه ۱۹۶۴، به امر صلح و خلع سلاح و تقلیل و سرانجام ناپود کردن تاخیر اتمی در جهان تا پایان قرن حاضر کمک شایان رسانده است.

رفقا!

هفدهمین کنگره شما در برهه حساسی از تاریخ پرگزار می‌شود. ما اطمینان کامل داریم، که کنگره شما کام های مهمی در راه تحکیم بازم بیشتر جامعه سوسیالیستی و امر صلح برخوردار داشت.

برای اتان کامیابی های درخشانی را آرزو می‌کنیم.

با سلام های کمونیستی
کمیته مرکزی حزب توده ایران

سازندگی به کشت و کار بپردازند.
دهقانان ستمدیده و محروم!

هرکس شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی" را سرمی‌دهد، خواسته یا ناخواسته شعار دشمنان شما را تکرار می‌کند. شعار اصلی شما، شعار "مرکب بر رژیم" و "ولایت فقیه" است، "مرکب بر بزرگ مالکان" و "پیش بسوی برقراری جمهوری ملی و دمکراتیک" است.

دهقانان عزیز! روستاییان زحمتکش!

تنها در پرتوی یک حکومت ملی و دمکراتیک و انجام یک رشته بهسازی های اقتصادی - اجتماعی و از جمله اصلاحات ارضی و آبی بنیادی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین است که سیمای روستاهای ایران دگرگون خواهد شد. تا زمانی که مناسبات نوین مترقی بر جامعه ما حاکم نشود شما همچنان با شلاق فئودال ها و بزرگ زمینداران از زمین های خود رانده می‌شوید و نصیبی جز فقر و گرسنگی، آوارگی و کار برده وار و زندانی شدن ندارید.

"شوراهای اسلامی کار".....

امور اجتماعی برای احیای اجباری این شوراهای و تحمیل آن به کارگران دست به حیل های کثیفی می‌زند.

مثلاً در کارخانه ای برای تحمیل نمایندگان دست نشانده به کارگران، ستاد انتخاباتی به کارگران پیشنهاد کرد که پس از اجتماع اولیه برای شنیدن برخی توضیحات سرکارهای خود بروند و بعد دسته دسته برای دادن رای پای صندوق ها حاضر شوند.

کارگران پیشنهاد کردند که کاندیداها هر کدام چند دقیقه ای درباره مشکلات کارخانه صحبت کنند، اما ستاد انتخاباتی با این کار مخالفت کرد و اعلام داشت که کاندیداها همکاران کارگران هستند و اسامی آنها در تابلوی اعلانات نصب شده است و احتیاج به حضور جمعی کارگران هنگام اخذ رای نیست.

این واقعیت نشان می‌دهد که رژیم برای تحمیل "شوراهای اسلامی کار" "ضد کارگری از بکارگرفتن هیچ حیل های غافل نیست. از این رو، در مرحله کنونی یکی از وظایف عمده و اساسی هسته های مخفی کارگری در این زمینه روی دو شعار حداکثر و حداقل متمرکز است:

۱ - نخست سازمان دادن مبارزه کارگران برای جلوگیری از تحمیل "شوراهای اسلامی کار" در واحدهای تولیدی و خدماتی و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی.

۲ - جلوگیری از انتخابات کاندیداها دست نشانده و مرتجع وزارت کار و کارفرمایان.

اجرای دقیق این وظیفه می‌تواند به رویارویی کارگران و زحمتکشان با دسیسه های رژیم و عوامل آن در کارگاهها و کارخانه ها و اعتلای جنبش کارگری خدمت کند.

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

بی هنرانی که ...

جلوه دادن، جنایت را " شجاعت " برشردن و بانگ " آسوده بخواهید " سردادن ... آری اینها و همه اینها در چارچوب " شرع " و " موازین شرعی " رضای خاطر سبایه های خدا " را فراهم می ساخت. آیا خواست سران مرتجع ج.ا. از هنرمندان، شاعران و نویسندگان، اگر نه در شکل - که خود موضوع بحث جداگانه ای است - درمحتوی، جز این می تواند باشد؟ مثلا به جمله نقل شده از رئیس جمهور توجه کنید. معنی آن چیست؟ موزیک باید با " موازین شرعی " سازگار باشد و گرنه نمی تواند محلی از اعراب داشته باشد. لب کلام این که هیچ موسیقی دان اصیلی، در صورتی که تمایل به عرضه ساخته های خود داشته باشد، نمی تواند از چارچوب سرودها و آوازهای رایج و نوحه خوانی های مرسوم و مورد تأیید سران مرتجع ج.ا. با محتای ضد خلقم فراتر برود. در غیر این صورت " موازین شرعی " و در واقع چارچوب مورد پسند " سران مرتجع رژیم، چون زنجیری بر گردنش می افتد و ای بسا که کارش به زندان و شکنجه بکشد.

خامنه ای می گوید: " وقتی ما یک چارچوب ارائه می کنیم، هیچ اشکالی ندارد که توقع داشته باشیم هنرمند در آن چارچوب باشد. آنچه خارج از چارچوب است، هنر بودنش را رد نمی کنیم، مقبول بودنش را رد می کنیم، و بنابراین نمی پسندیم "

اگر در کشور ما یک رژیم مرفعی بر سرکار بود، ای بسا چنین سخنانی معنی و مفهوم دیگری می یافت. آن هنرمندی " مقبول " واقع می شد که همراه خلق باشد و نه رویاروی با آن. و آن هنر ی مورد " پسند " بود که بیانگر خواست ها و آرزوهای توده ها و در خدمت رشد و اعتلاء فرهنگ ملی باشد. در چنین چارچوبی، طبیعی است که جایی برای هنر مبتذل و هنرمند درباری نمی توانست وجود داشته باشد. اما امروزه ما با رژیم سروکار داریم که ریشه های ابتدال و خیانت را در بطن خود می پروراند و به همین دلیل است که توده ها از آن رو برمی تابند و نیروهای مرفعی و انقلابی کمر به سرنگونی اش بسته اند. در اینجا روی سخن ما با آن هنرمندان (و نه آن مداحان جیره خوار و قشری های در خدمت ولایت فقیه ") است که هنوز نیم نگاهی به رژیم دارند و شاید تصور می کنند که این " امامزاده " معجزی از خود نشان خواهد داد. شما درست به اطرافتان نگاه کنید. در زندگی مردم خیره شوید. توده های محروم و سوگواری را ببینید که عزیزان خود را در جبهه ها و زندان ها از دست داده اند و خود در بدترین شرایط روحی و مادی به سر می برند. نگاهی در سیمای رژیم ضد دمکراتیک حاکم بر جامعه بی افکنید که چگونه

عرصه را بر همه آزادخواهان و میهن دوستان تنگ کرده و حتی بخشی از مسلمانان انقلابی را زیر شکنجه و تعزیر کشیده است. آیا در چهره سران مرتجع جمهوری اسلامی جز جنایت و خیانت به خلق چه می بینید؟ آیا وقت آن نرسیده است که در کنار هنرمندان و روشنفکران مرفعی و انقلابی میهن، خود را و هنر خود را در خدمت رشد جنبش انقلابی توده ها و سرنگونی رژیم قرار دهید که ماهیتا با هنر و هنرمندان واقعی عناد می ورزد. رژیمی که می خواهد از شاعران، قصه نویسان، موسیقیدانان، نقاشان، کاریکاتوریست ها... به عنوان وسیله ای برای تأیید و تبلیغ جنایت های خود سوء استفاده کند. آیا آن چهره درنده خو و وحشی را نمی بینید که جز زبان تهدید زبان دیگری نمی شناسد؟ کار به جایی رسیده که خامنه ای بسیاری از هنرمندان کشور را ناباوران به نظام جمهوری اسلامی " و آدم های پُبدل " می خواند که " اگر ببینند کسی مراقب شان نیست یقینا نیششان را خواهند زد " و با لحن توهین و تهدید آمیزی می گوید: " باید دائما لگام (آنها را) کشید ". چنین سخنانی را چگونه باید تفسیر کرد؟ آیا این سخنان به معنی آن نیست که رژیم از هنر و هنرمندان متعدد وحشت دارد و حتی دور و بری های خود را نیز نمی تواند تحمل کند و آنها را با حربه تهدید می ترساند و می کوشد تا به بهانه های گوناگون و از جمله " چپ زدن " برایشان پاپوش بدوزد؟

رژیم در جستجوی هنرمندانی است که بره های مطبوعی باشند کسانی که خود " فکری " نداشته باشند و تنها به تبلیغ تراوشات بیمارگونه فکری امثال خامنه ای بپردازند. به همین دلیل است که خامنه ای به موازات تهدید " ناباوران نظام " از شبه هنرمندانی که " در رژیم قبل هم بودند و الان هم هستند " دعوت به همکاری می کند. وی می گوید:

" اگر اینها هنرشان را حاضر هستند در خدمت جمهوری اسلامی قرار بدهند منهای فکرشان ما قبول می کنیم و این قدر ناله نکنند که هنر تمام شد و گاهی هم می گویند که شما می خواهید هنر را در چارچوب بگذارید و هنر چارچوب پذیر نیست. اگر چارچوب پذیر نیست چرا در چارچوب های ذهنی شما رفته است و حاضر نیستید یک ذره ای از آن تخطی کنید... ". طبیعی است که روی سخنان خامنه ای با هنرمندان متعددی که پیش و پس از انقلاب همواره در مواضع مرفعی و انقلابی قرار داشته اند، سالیان دراز را در شرایط سخت به سر برده اند، طعم ممنوعیت قلم را چشیده اند و یا آثارشان با عبور از هفت خوان قیچی و سانسور منتشر می شده نیست و اگر هم باشد بی تاثیر است. چنین هنرمندانی از آزادی و آرمان های بشردوستانه دفاع می کنند و نمی توانند آبشان با رژیم که جز با زبان ترور و سرکوب سخن نمی گوید، در یک جوی

شب و امید

تقدیم به زنان مبارز میهنم

دیرگاهی ست که شهر

- شهر تب کرده ما -

زیر سربیزه و تزویر به بندیدست کران

دردرون شب شهر ***

کودکی می گرید

پدری گم شده است

مادری لیک به عمق دل شب می خواند:

کودکم، درپس هر ابر سیه خورشیددست

که سحرگاه به نور

می شکافد دل این تیره شب وحشت را

پدرت رفت سحر را پر پرواز شود

به سر آمد شب سنگین و سیه را با جان

پدرت رفت اما

چشم امید من و توبه در بسته شب دوخته است

که سحر باز شود.

بر فراز سر شهر ***

ابر سنگین و سیه می ماند

پدران گمشدگانند هنوز

کودکان گریانند

مادران لیک به آواز رسا می خوانند...

ع - ف - آزاده

به مامی نویسنده

اخراج ۱۴ نفر کارگر از کاترپیلار

پس از موفقیت کارگران شرکت کاترپیلار در آذرماه سال ۶۴، ۱۴ نفر از کارگران مبارز این واحد تولیدی که توسط عوامل رژیم در کارخانه شناسایی شده بودند از کار اخراج شدند. اخراج این کارگران با اطلاع وزارت کار انجام شد. اخراج این کارگران که جز دفاع از حقوق صنفی خود گناهی نداشتند موج اعتراض را در کاترپیلار برانگیخت.

برود. امثال خامنه ای به خوبی می دانند که شاعران و نویسندگان و دیگر هنرمندان مرفعی کشور ما، آن موجوداتی نیستند که قابل خریداری باشند، فکرشان را کنار بگذارند و تبدیل به عروسک های سخنگوی رژیم بشوند. همان طوریکه اشاره شد خامنه ای ها به ریزه خواران شبه هنرمندی در باغ سبز نشان می دهند که در قبال لغت و لیس از کنار دستگاه هر روز به رنگ، در می آیند. در روز " هنر " شان را در خدمت رژیم شاه قرار می دادند و امروز می خواهند زیر سایه سران ج.ا. روزگار بگذرانند. اگر هم پشت چشمی برای رژیم نازک می کنند می خواهند بر " ارج " خود و مواجب مربوطه بی بیزایند. این شبه هنرمندان درازاء چنین امتیازهایی حاضر هستند از هر آنچه که تاکنون ادعا کرده اند، " تخطی " کنند و رژیم نیز همین را می خواهد. به همین دلیل رنگ خطر را برای آنها که " سرو گوشان می چنبد " به صدا در می آورد. باید در برابر تمهیدات رژیم مقاومت کرد. توده های مردم مدافعان واقعی هنرمندان خلق هستند.

بایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مرفعی و مردمی است!

کارزار جهانی دفاع از توده‌ای‌های دربند

حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست السالوادور، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست پاراگوئه و... پیام دهندگان خواستار پایان یافتن جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی شدند. همچنین از سوی رفقای عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در فرانسه و "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" پیام‌های پرشوری به مناسبت برگزاری روز شهدای حزب و جنبش ارسال شد.

هندوستان
اعضا و هوداران حزب توده ایران در هندوستان با تهیه گزارشی که در آن وضع جهانی حاکم بر زندان‌ها و بی حقوقی زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی به روشنی بازتاب یافته بود، به جمع آوری امضاء از شخصیت‌ها و نمایندگان احزاب و سازمان‌های مترقی و آزادی خواه پرداختند و موفق شدند صدها امضاء جمع آوری کنند.

شاپان یادآوری است که امضاء کنندگان خواستار:
الف- لغو احکام اعدام و حبس‌های درازمدت میهن‌دستان و پایان بخشیدن به صدور احکام اعدام،
ب- آزادی تمامی زندانیان سیاسی؛
شدند.

چندی پیش "فدراسیون سراسری دانشجویان هند - واحد دانشگاه نهرود - دهلی" هشتین کنفرانس خود را برگزار کرد. بنا به دعوت آنها نمایندگان حزب ما نیز در این کنفرانس شرکت کردند. در این کنفرانس قطعنامه‌ای درباره اوضاع ایران از تصویب گذشت. در این قطعنامه از جمله می‌خوانیم:

"این کنفرانس رژیم خمینی را به خاطر سرکوب حقوق دمکراتیک مردم ایران و بازداشت و اعدام اعضای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محکوم کرده و پشتیبانی بی دریغ خود را از رفقای توده‌ای و فدائی در پیکارشان برضد رژیم ترور و اختناق حاکم بر ایران اعلام می‌دارد...".

انگلستان
چندی پیش دومین کنفرانس سالانه "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" در محل شورای شهر لندن برگزار شد. این مراسم پرشکوه در واقع به صحنه همبستگی پرشور با زندانیان سیاسی و مبارزات مردم ایران تبدیل گردید. در این کنفرانس بیش از یکصد نفر از نمایندگان برجسته جنبش کارگری و صلح بریتانیا و هم چنین علاقمندان به مسائل ایران شرکت داشتند. آقای نوتل هریس، نماینده سابق بریتانیا در فدراسیون جهانی سندیکایی ضمن نطق افتتاحیه خود با

اشاره به شهادت رفیق رضا شلتوکی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و سه تن از کادرهای برجسته سازمان فدائیان خلق ایران، با اعلام یک دقیقه سکوت خاطره شهدای مبارزه آزادیبخش مردم ایران را گرامی داشت. سپس آقای فرانک سوگت نماینده مجمع صلح بریتانیا در شورای جهانی صلح، طی سخنرانی میسوطی در مورد جنگ ایران و عراق به تشریح نقش امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس پرداخت و گفت: "امپریالیسم بریتانیا مزورانه در مورد جنگ ایران و عراق اعلام بی طرفی می‌کند در حالیکه به هر دو کشور اسلحه ارسال می‌دارد. اخیراً وزارت دفاع انگلستان تأیید کرده است که لوازم یدکی تانک چیفتن به ایران ارسال داشته است"

در بخش دیگری از کنفرانس، آقای چرمی کوربین نماینده حزب کارگر در پارلمان بریتانیا ضمن تأیید بی نتیجه بودن جنگ ایران و عراق به نقش مخرب دولت محافظه‌کار بریتانیا در دامن زدن به جنگ از طریق ارسال اسلحه به هر دو کشور اشاره کرد.

آقای پیتر دافی معاون "اتحادیه کارگران دخانیات" و دبیرکل "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" ضمن ارائه گزارش مشروحی از فعالیت‌های کمیته دفاع در سال گذشته یادآور شد که متجاوزان زده هزار نفر از اعضای جنبش کارگری و صلح بریتانیا با امضای طوماری خواهان پایان دادن به جنگ بی سرانجام ایران و عراق شده‌اند. وی همچنین اشاره کرد که در طی سال گذشته نزدیک به ۱۵ اطلاعیه مطبوعاتی در مورد مسائل گوناگون ایران، از جمله شکنجه و کشتار مبارزان انقلابی ایران، توسط "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" صادر گردیده و نمایندگان این کمیته به منظور افشای جنایت رژیم ضد بشری خمینی با نمایندگان احزاب سیاسی، سازمان عفو بین‌المللی و سازمان‌های مختلف حقوق بشر تماس گرفته‌اند.

در خاتمه کنفرانس، مسائل ایران و تحولات اخیر آن در سه بخش (جنگ ایران و عراق - آزادی‌ها و حقوق شهروندی در ایران - فرهنگ و ادبیات و آموزش در ایران) مورد بررسی قرار گرفت.

در طی کنفرانس ده‌ها پیام همبستگی از طرف اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی و سازمان‌های مترقی، و هم چنین شخصیت‌های برجسته جنبش کارگری بریتانیا به کنفرانس ارسال گردید، که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

کن گیل رئیس "کنگره سندیکایی بریتانیا"، "اتحادیه کارکنان سینما و تلویزیون"، "کنگره سندیکایی کارگری اسکاتلند"، "اتحادیه کارگران فنی و اداری"، (میدلند غربی)،

"اتحادیه کارکنان آتش نشانی (میدلند غربی)،
"اتحادیه کارمندان دولت" (میدلند غربی)،
"اتحادیه کارکنان علمی و مدیریت" (میدلند غربی)،
"اتحادیه کارگران چاپ" (غرب ادینبورگ)،
"اتحادیه کارکنان اسکاتلند"،
"اتحادیه سراسری کارگران دخانیات"،
"اتحادیه ملوانان ویلز"،
"اتحادیه کارگران شهرداری" (جنوب غرب ویلز)،
"اتحادیه سراسری کارگران گرافیک و چاپ"،
"اتحادیه کارکنان خدمات عمومی"،
همچنین آقای ویلیام ویلسون (نماینده اسبق پارلمان)، آقای آلن ساپر (رئیس سابق "کنگره سندیکایی بریتانیا")، کشیش بروس کنت دبیرکل سابق و معاون کنونی کارزار خلق سلاح هسته‌ای و خانم چون رادوک، ریاست این سازمان، "مجمع صلح بریتانیا"، "کارزار علیه تجارت اسلحه".

نمایندگان پارلمان بریتانیا: رولاند بویز، هاری کوهن، کلر سیفورت، میوز (پارلمان اروپایی)، الف لاس (رهبر فراکسیون حزب کارگر در پارلمان اروپا)، شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست بریتانیا، کمیته ناحیه میدلند حزب کمونیست، و اتحادیه‌های دانشجویی دانشگاه استون بیرمنگام، پلی تکنیک بیرمنگام، دانشجویان مترقی یونانی در بیرمنگام، اتحادیه دانشجویی اسکاتلند، دانشجویان حزب کارگر اسکاتلند، اتحادیه دانشجویی دانشگاه استراثکلاید گلاسگو، دانشگاه لندن (کالج کوئین ماری)، دانشگاه لیدز و سوانزی.

در پایان کنفرانس قطعنامه‌ای به تصویب رسید که طی آن ضمن برشمردن جنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد زندانیان سیاسی، زنان، اقلیت‌های ملی و مذهبی و نیز ادامه جنگ ایران و عراق حاضرین خواهان آزادی زندانیان سیاسی ایران و پایان فوری جنگ گردیدند.

* *

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

کمک‌های مالی رسیده:

۲۰ از لندن ۱۰ پوند
بیاد مادر ۵۰۰
بیاد ارانی ۱۳۰ مارک
رفیقای از هایدلبرگ ۱۴۰۰ مارک

NAMEH
MARDOM
No: 95

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

27. March .1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!